

از نگاه ولایت

جوانان از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی

❖ به‌کوشش: مصطفی خدّامی

پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث



اشاره

طبیعت جوان مایل به اجرا و تحقق آرمان‌هاست. این همت و نیروی جوانی است که آینده را می‌سازد و جامعه را به پیش می‌برد. داشتن «فکر نو»، «نگاه و توقعات آرمانی» و «زبان ویژه برخاسته از آن نگاه» سبب می‌شود تا جوان نقش موتور را در یک قطار ایفا کند؛ به حرکت درآورنده، پیش‌برنده و جهت‌دهنده باشد.

جوان باید در درون خود، در دل خود و در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده این کشور، آینده این ملت و آینده این تاریخ، مسئولیت دارد. همین احساس مسئولیت بود که در دوران دفاع مقدس، بیشتر جوان‌های متعهد را به میدان دفاع کشاند و نگذاشت دنبال راحتی باشند. آنها به میدان آمدند و نتیجه، نتیجه‌ای معجزه‌آسا شد.

فردای این کشور و فردای این ملت، به احساس مسئولیت آگاهانه امروز جوانان آن نیازمند است. در این صورت، این کشور که به برکت این انقلاب و به برکت این نظام، یکی از مستحکم‌ترین و عزیزترین کشورهای دنیاست، در آینده هم یکی از مقتدرترین، سربلندترین و پیشروترین کشورهای دنیا می‌شود.

جوان و امید

افق روشن آینده به اراده جوانان بستگی دارد

عزیزان من! جوانان! برای این ملت، قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید... آینده هم، آینده روشنی است. به برکت اسلام، آینده این انقلاب، آینده این نظام و آینده این کشور، آینده‌ای بسیار روشن و درخشان است. آنی که باید این آینده را شکل دهد، عمدتاً شما جوانان هستید. با عمل، ایمان اسلامی را در خودتان تعمیق کنید که این اساس کار است. ایمان هم یک موضوع کتابی و ذهنی نیست. ایمان، در عمل تقویت پیدا می‌کند. انسان، خدا را در میدان مجاهدت برای خدا، بهتر می‌بیند. این مجاهدت هم، سنگرهای مختلفی دارد که سنگر علم و سازندگی از آن جمله است. البته با تقوا و با تضرع پیش خدای متعال و با انجام عبادات و اجتناب از محرّمات. پس، اول ایمان اسلامی است.

من عرض می‌کنم جوانان عزیز! این راه را ادامه بدهید. آینده کشور روشن است، افق‌ها بسیار تابان است؛ اما به اراده شما بستگی دارد، به فعالیت شما، به کار شما، به پرداختن شما به خودسازی؛ خودسازی علمی، خودسازی دینی، پاک نگاه داشتن دامن روح و دل نورانی - که خدا به شما داده است - در همه میدان‌ها؛ فعالیت، تلاش، سرزندگی؛ این عاملی است که کشور شما را به اوج قدرت و عزت - ان شاء الله - خواهد رساند.

جوان، پایه اصلی انقلاب در آینده

شما دانشجویان و دانش‌آموزان و جوانان، برای نسل آینده و دوره بعد، پایه‌های اصلی انقلابید. امروز هم شما در انقلاب تأثیر زیادی دارید؛ چون جوانید. امروز هم شما در جبهه سیاسی و نظامی و سازندگی و هر جای دیگر که بتوانید حضور داشته باشید، عنصر فعال انقلابید؛ اما فردا شما پایه‌های انقلاب هستید. امروز، عناصر مؤثرید؛ ولی فردا ستون‌های انقلاب هستید. توجه کنید انقلاب را با ریشه‌ها و مبانی فکری و

منطقی‌اش، به‌درستی بشناسید.

همت جوانی، آینده را خواهد ساخت

یک شهر جوان و یک جامعه جوان و یک کشور جوان می‌تواند به آینده امیدوار باشد. همت جوانی، آینده را خواهد ساخت. نیروی جوانی جامعه را به پیش خواهد برد. جوانان دانشجوی عزیز! به یکایک شما درود می‌فرستم و از خداوند متعال، بالندگی و سرفرازی آینده‌ای را که باید به همت جوانانه و دل‌پر امید و نشاط روزافزون شما بنا شود، مسئلت می‌کنم. امروز شما آینه فردای کشور است. دانش‌پژوهی و ژرف‌نگری جوان امروز آنگاه که با ایمان و پاکدامنی و جهاد و تلاشگری همراه شود، فردایی را برای کشور نوید می‌دهد که در آن همه زوایای زندگی با نورافکن علم و ایمان روشن شده و تاریکی‌های جهل و ذلت و بی‌عدالتی از آن رخت بر بسته است.

طبیعت جوان میل به اجرا و تحقق آرمان‌هاست

جوان، طبیعتش عدالت‌طلبی و میل به اجرا و تحقق آرمان‌هاست. هر جوانی به‌طور طبیعی موضعش در کنار موضع نظام اسلامی است - چه جوانان داخل کشور خودمان و چه جوانان کشورهای دیگر - کما اینکه می‌بینیم همین‌طور هم هست. کسی که نظام اسلامی را - که علیه فساد و ظلم و بیدادگری و تبعیض در دنیا قیام کرده است - به استبداد و ضدیت با آزادی و ضدیت با حقوق بشر متهم کند، یا خود دشمن است و یا فریب دشمن را خورده است. این را باید همه - به‌خصوص جوانان - توجه داشته باشند.

صفا و نشاط و آرمان‌خواهی و تلاش امیدوارانه

اگر صفا و نشاط و آرمان‌خواهی و تلاش امیدوارانه که خصوصیات جوانی است، با فرزندی و اندیشه‌ورزی و نگاه عالمانه که ویژگی‌های دانش‌پژوهی است و با پرهیزگاری و پاکدامنی و تعبد دینی که لازمه اسلامی بودن است در تشکلهای

دانشجویی فراهم آیند، این مجموعه‌ها از جمله مبارک‌ترین مجموعه‌های انسانی به‌شمار خواهند آمد... شما جوانید، و جوان مظهر آئینه‌وار صفا و صمیمیت و همت و شوق به آرمان‌ها و ایده‌آل‌هاست.

نقطه امید و شکوفایی

من به شما جوانان عزیز عرض کنم که از منظر دینی، جوان یک نقطه امید و شکوفایی است. این نقطه امید و شکوفایی، در همه چیز است؛ در مبارزات، در مجاهدات اجتماعی، در فعالیت‌های گوناگون جامعه و

دانش‌پژوهی و ژرف‌نگری

جوان امروز آنگاه که با ایمان

و پاکدامنی و جهاد و تلاشگری

همراه شود، فردایی را برای

کشور نوید می‌دهد که در آن

همه زوایای زندگی با نورافکن

علم و ایمان روشن شده و

تاریکی‌های جهل و ذلت و

بی‌عدالتی از آن رخت بر بسته

است.

در مجاهدت‌های شخصی و روحی و درونی. خطاب به جوان از سوی دین، همیشه یک خطاب ویژه است. با جوان، مخاطبه زیادی در مفاهیم اسلامی و فعالیت‌های دینی شده است. علت هم این است که در جوان، گوهر شور و عشق و صفا و معنویت، فروزان است. هر انسانی از این گوهر بهره‌مند است، لیکن در جوان و در دوران جوانی، این جوهره انسانی کاملاً نمایان و فروزان و تابناک است و از آن باید استفاده کرد. اولین استفاده‌ای هم که هر انسانی باید از این روح شور و عشق و صفا و معنویت و نورانیت ببرد، این است که خود را - نفس خود را، اندرون خود

راه، معنا و حقیقت خود را - تعالی ببخشد. این، قدم اول است. لذا ما همیشه برای خودسازی معنوی، به جوانان سفارش مؤکدی داریم.

یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید اینگونه است

من به عنوان فردی که جریان‌ها را می‌شناسد و از جریان‌های جهانی و پشت پرده و توطئه‌های دشمن آگاه است و از اول انقلاب با آنها سروکار داشته است، می‌گویم که جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌ای را دلسرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید اینگونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.

دل نازک جوان‌ها در مقابل نابسامانی‌ها هنوز مثل دل ما سخت و محکم نشده؛ زود دل‌هاشان تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. گفت: دلم از هیچ می‌لرزد، دل یار است پنداری به مویی بسته صبرم، نغمه تار است پنداری.

جوان و آینده

به افق دوردست نگاه کنید و ببینید چه باید کرد

یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید اینگونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.

نعمت خدا را باید نگه دارید، پرورش دهید، کامل کنید و نقایصش را برطرف سازید - که این نقایص هم باز از عمل ما ناشی می‌شود - این کار بزرگی است که بر عهده شما جوان‌ها و به‌خصوص جوانان دانشجویان است، که امیدهای آینده‌اید و در افق آینده، انسان شماها را می‌بیند. مدیران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور در آینده شماها هستید؛ هم می‌توانید این کشور را به اوج قله افتخار و ترقی برسانید - همان‌طور که آرزوی نظام جمهوری اسلامی است - و هم می‌توانید خدای نکرده نعمت به‌دست‌آمده را از دست بدهید. لذا به افق دوردست نگاه کنید و ببینید چه باید کرد و چالش‌هایی که در مقابل ماست، چیست.



جوانان بدانند که باید در آینده دنیا نقش ایفا کنند

هرچه ممکن است، بر آمادگی‌های خودتان، بر عمق فکری خودتان و بر حضور خودتان در میدان‌های سیاسی و اقتصادی بیفزایید. طلاب جوان، فضایی جوان، جوانان دانشجویان، جوانان کارگر و جوانان قشرهای مختلف مردم - چه دخترها و چه پسرها - بدانند که باید در آینده دنیا نقش ایفا کنند. جغرافیای سیاسی دنیا را اراده و ایمان انسان‌ها در آینده تعیین خواهد کرد؛ این به‌عهده شماست.

آنچه برای من اهمیت دارد، این است که جوان و عنصر فعال سیاسی ما توجه کند که امروز کشور و ملتش کجا ایستاده است و باید چه کار کند و به چه چیزی همت بگمارد؛ نیرویش را صرف آن کند و به دهان دشمن - که برای ما خواب و خیال‌های زیادی دیده - نگاه نکند.

ببینید کجا قرار دارید، چه بوده و چه شده و می‌خواهد چه بشود

در دنیا یک جنگ عظیم و یک چالش بزرگ برپاست؛ جنگ توپ و تفنگ نیست؛ جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و سیاست‌ها و تدبیرهاست. ایران در کجای این جنگ است؟ ایران در جبهه‌ای از این جنگ در مرکز فرماندهی قرار دارد که افراد آن جبهه را ملتها تشکیل می‌دهند... مهم این است که جوان ایرانی بداند ایران در کجای این جبهه است... اتاق فرماندهی این طرف این جبهه، ایران است؛ ایران حزب‌اللهی پُر از عزم و همت، اما با دست خالی؛ به خاطر اینکه صد سال قبل از او، سلاطین خائن پهلوی و قاجار، هرچه توانستند ضربه زدند، غارت کردند و لطمه زدند؛ حالا از صفر شروع کرده. طرف مقابل، دویست سال است که مشغول خودسازی است - چه از درون خودش، چه با آنچه از دنیا غارت کرده - و دست او از لحاظ علمی و از لحاظ اقتصادی پُر است. دست این طرف - از لحاظ عُدّه ظاهری و پشتیبانی‌های ظاهری؛ یعنی پول و سلاح و اینها - خالی است؛ اما در عین

حال دنیا وقتی نگاه می‌کند، این دو کفه را برابر، و در یک جاهایی کفه همین نیروی حزب‌اللهی را سنگین‌تر می‌بیند.

چرا سنگین‌تر می‌بیند؟ مگر ما چه داریم؟ همان احساس حضور! حضور! ما ملتی داریم که با انقلاب اُخت است؛ گره‌خورده است؛ جوشیده است. در بین این ملت که سطوح گوناگون و مختلفی دارند، روحیه جمع‌کثیری این است که هر جا و هر زمان و هر طور که لازم باشد، سینه‌شان را سپر می‌کنند و به وسط میدان می‌آیند. این نقطه قوت ماست. این چگونه حاصل شده است؟ با موتور ایمان، با روحیه انقلاب و با انگیزه دین؛ این حقیقتی که دنیاداران آن را نفهمیدند! نفهمیدند که قدرت دین چه استحکامی به یک ملت و به یک نظام می‌دهد. جمهوری اسلامی به‌طور طبیعی در این راه و در این کیفیت قرار داشت و قرار گرفت؛ یعنی ایمان.

من دوست دارم این بحث را نه به‌عنوان یک مسؤل، بلکه به‌عنوان یک روحانی و یک طلبه و به‌عنوان کسی که تقریباً همه جوانی‌ام را در فضای روشنفکری زمان خودم گذرانده‌ام و با خیلی از این چهره‌های معروف روشنفکری ایران، یا از نزدیک آشنا بوده‌ام، یا با آثارشان آشنا بوده‌ام و درست آنها را می‌شناسم - از شاعرشان، نویسنده‌شان، هنرمندشان - مطرح کنم و با شما حرف بزنم. دلم می‌خواهد شما جوانان این دوره، قدری فضای فرهنگ کشورتان را بشناسید؛ چون شما جزو قشرهای روشنفکر هستید. ببینید کجا قرار دارید، چه بوده و چه شده و می‌خواهد چه بشود. مایلیم شما این نکته را توجه کنید.

شما برای خودتان یک نقش تاریخی و ملی تعریف کنید، نه یک نقش شخصی

نصیحت دوم من به شما عزیزان: شما برای خودتان یک نقش تاریخی و ملی تعریف کنید، نه یک نقش شخصی. وقتی انسان نقش شخصی برای خودش تعریف می‌کند - یک آدم با استعداد - هدف او این می‌شود که به ثروت برسد، به شهرت برسد،

همه او را بشناسند و همه به او احترام کنند؛ این می‌شود هدف. به این چیزها هم که رسید، دیگر کاری ندارد، انگیزه‌ای برایش باقی نمی‌ماند؛ اما انسان وقتی برای خودش یک نقش ملی و یک نقش تاریخی تعریف کرد، وضع فرق می‌کند. شما باید آینده و تاریخ کشور را در نظر بگیرید و ببینید این ملت به کجا باید برسد و شما امروز در کجای این چرخ و این ریل عظیم قرار دارید. امروز شما چه نقشی را باید ایفا کنید تا آن روز، این ملت بتواند در آنجا باشد. چنین نقشی برای خودتان تعریف و ترسیم کنید؛ هدف را بالا بگیرید.

با عزم راسخ می‌توانید نیمه اصلی راه انقلاب را طی کنید

من به جوانان عزیزمان؛ جوانان دانشگاهی، جوانان حوزوی، جوانان فعال در صحنه صنعت یا کشاورزی یا علم یا هنر عرض می‌کنم: شما در نیمه راه هستید و آنچه از راه گذرانیده‌اید، با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بوده است؛ اما توانسته‌اید. آن نیمه دیگر راه و آن بخش باقیمانده راه را - که دشمن می‌خواهد نگذارد شما آن نیمه اصلی و نیمه آخر را طی کنید و به قله‌ها برسید - با عزم راسخ می‌توانید دنبال کنید. شما می‌توانید؛ همچنانی که ثابت کرده‌اید که می‌توانید.

مأموریت این نسل تشکیل جامعه اسلامی است

سؤال می‌شود که مأموریت این نسل چیست؟ الزاماتش چیست؟ کی می‌خواهد او را پیش ببرد و هدایت کند؟ اینها سؤال‌های خوبی است. به نظرم می‌رسد این سؤال‌ها سؤال است، لیکن ابهام نیست. پاسخ به این سؤال‌ها معلوم است. انقلاب برای ایجاد یک دولت به جای دولت که به وجود نیامد، برای ایجاد یک نظام، یک مجموعه ملی و انسانی براساس یک تفکر به وجود آمد. آن تفکر، تفکر اسلام است. ادعای ما این است - که این ادعا را اثبات هم می‌کنیم و ثابت شده است؛ قطعی است - ما معتقدیم راه سعادت انسان‌ها به دست تعالیم انبیاست،

که کامل‌ترینش هم تعالیم اسلام است. بشر منهای تعالیم انبیا حتی پیشرفت مادی هم در این حدی که پیدا کرده، پیدا نمی‌کرد؛ چه برسد به تعالی معنوی و بهجت معنوی و آرامش و آسایش روانی که زمینه‌ساز عروج اوست به معارج والای ملکوتی انسان. راه سعادت انسان این است. برای اینکه تفکر انبیا در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد. جامعه اسلامی، کشور اسلامی، نه فقط دولت اسلامی، نه فقط تشکیل یک نظام اسلامی، بلکه تشکیل یک واقعیت و یک مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام - که لب لباب تعالیم انبیاست - زندگی می‌کنند و آثارش را احساس می‌کنند. این هدف ماست. خوب، ما به این هدف هنوز نرسیدیم، توقع هم نبود که در ظرف سی سال برسیم. این هدف، هدف خیلی طولانی مدتی است. باید تلاش کرد، باید کار کرد تا به این هدف رسید؛ شما مسئولیتتان این است. مأموریت این نسل این است؛ کشور و ملتتان را به آن جایگاهی که معنایش این باشد که یک جامعه اسلامی به معنای واقعی تشکیل شده، برسانید. این را الگو کنید. این می‌شود بزرگ‌ترین وسیله برای گسترش این فکر و گسترش این تجربه در عالم؛ این مأموریت این نسل است که در تصور و در جنبه نظری، چیز مشکلی نیست. البته کار، کار بسیار دشواری است. همان تحرک جوانی، همان انگیزه جوانی را لازم دارد؛ با تلاش فراوان جهادی که حالا گفته‌ایم و عرض می‌کنیم. هدف این است: ما کشور اسلامی می‌خواهیم.

شما امروز خودتان را آماده کنید برای فردا

شما فرزندان منید و آنچه انسان برای فرزند خود دوست می‌دارد، بهترین‌هاست. و این، بهترین است. باید خودتان را آماده کنید. این راهی که این ملت در پیش گرفته است، راهی نیست که به این زودی‌ها به پایان برسد؛ راه اعتلای یک ملت است؛ راه جبران عقب‌افتادگی‌های یکی دو قرن اخیر

است. حالا در نکته بعدی عرض می‌کنم که این بسیار مهم است که شما امروز خودتان را آماده کنید برای فردا.

آنچه من به شما جوانان -چه شما پاسداران، چه شما دانشجویان، چه شما دانش‌آموزان و چه شما جانبازان- عرض می‌کنم، این است که: عزیزان من! شماها جوانانی هستید که، امروز و فردای نظام بر دوستان است. زمانی یک عده جوان در این کشور بودند، کارهایی کردند، تا اینجا رساندند؛ از اکنون به بعد مال شما، روز شما و تکلیف شماست. من به شما جوانان عرض می‌کنم: عزیزان من! ایمان، پایه اصلی است. شجاعت و اعتمادبه‌نفس، یکی از پایه‌های اصلی است. احساس مسئولیت، یکی از پایه‌های اصلی است. اتحاد و همبستگی میان نیروهای مؤمن، یکی از پایه‌های اصلی است. البته پایه‌های دیگری هم وجود دارد که من حالا روی این چند امر تکیه کردم. اگر همین مسائل را مورد توجه قرار دهید، بدانید این کشور که به برکت این انقلاب و به برکت این نظام، امروز یکی از مستحکم‌ترین و عزیزترین کشورهای دنیاست، در آینده هم یکی از مقتدرترین و سربلندترین و پیشروترین کشورهای دنیا خواهد بود.

آینده ملت ایران، رسیدن به قله‌های والای علم، اقتدار، رفاه و شرف است

من به شما عرض کنم: جوان‌های عزیز! آینده مال شماست؛ آینده متعلق به ملت ایران است. آینده ملت ایران، رسیدن به قله‌های والای علم، اقتدار، رفاه و شرف است. این آینده حتمی شماست. و این وعده الهی است. **قرآن** به ما وعده داده است و اسلام به ما وعده داده است که اگر ملت‌ها حرکت کنند، ایمان نشان بدهند، غیرت نشان بدهند، خسته نشوند، صبر پیشه کنند و استقامت کنند، حتماً به هدف‌های خودشان خواهند رسید. ما تا حالا امتحان کرده‌ایم، ایستاده‌ایم، به هدف‌های میان‌مدت رسیده‌ایم. یک جاهایی هم نابسامانی داریم، چون نایستادیم؛ تقصیر خود ماست. اینطور

نیست که من نابسامانی‌های کشور را ندانم؛ نه‌خیر، می‌دانم. هر جایی که ما مشکل و نابسامانی داریم -اگر بی‌عدالتی است، اگر فقر است- برای خاطر این است که ما مسئولان و آحاد مردم، درست برای پیشبرد این هدف‌ها نایستادیم. اگر می‌ایستادیم، اینجاها هم درست می‌شد. تقصیر خود ماست. باید بایستیم.

آرمان‌گرایی

جوان باید آرمان‌گرا باشد

اگر شما جوانان نگاه به قله‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیند غلطی به وجود خواهد آمد. برآیند آرمان‌گرایی شما و چالش مسئولان با مصلحت‌ها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه -یعنی صددرصد با واقعیت‌ها کنار آمدن- وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن‌وقت همه چیز به هم می‌ریزد و برخی آرمان‌ها از ریشه قطع و گم خواهد شد. دانشجویان نباید آرمان‌گرایی را رها کنند.

من به شدت توصیه می‌کنم که نگذارید این روحیه پرانگیزی و این شور و هیجان و میل به آرمان‌ها در شما اندکی کاهش پیدا کند.

جوان ما نباید محافظه‌کار شود

یک توصیه دیگر، مسئله حفظ اصول و روحیه آرمان‌گرایی است. شما محافظه‌کار نشوید. ممکن است گذشت سن، بعضی‌ها را محافظه‌کار کند؛ اما موتور حرکت، جوانی است. جوان ما نباید محافظه‌کار شود. جوان باید آرمان‌گرا باشد. از آرمان‌ها کوتاه نیاید. آرمان‌ها را بخواهید، قله‌ها را بطلبید، تا یقین بکنیم که به نیمه راه لااقل خواهیم رسید. البته اگر قله را بطلبید، بنده یقین می‌کنم به خود قله هم خواهید رسید. روحیه آرمان‌گرایی را که از جمله مصادیق روحیه آرمان‌گرایی، تمسک به اصول و مبانی فکری است، از دست ندهید.

اگر جوان‌ها به وضع موجود قانع باشند، دیگر پیشرفتی متصور نخواهد بود

هم «فکر نو»، هم «نگاه و توقعات آرمانی» و هم «زیان ویژه برخاسته از آن نگاه» را داشته باشید؛ اینها چیزهای خوبی است. و اگر این خصوصیات محفوظ بماند، آن وقت جوان دانشجو نقش موتور را در یک قطار ایفا خواهد کرد؛ به حرکت درآورنده، پیش‌برنده و جهت‌دهنده خواهد بود. والا اگر جوان‌ها هم به وضع موجود -یعنی آنچه هست- قانع و راضی باشند، دیگر پیشرفتی متصور نخواهد بود؛ باید دائم بخواهند به نقاطی که دست نیافته‌اند، دست پیدا کنند.

آرمان‌های یک جوان ایرانی

جوان چه می‌خواهد؟ جوان ما مایل است در کشوری که خانه اوست، فقر و عقب‌افتادگی و بدبختی نباشد؛ امنیت و عزت و افتخار وجود داشته باشد؛ صفا و محبت و روشن‌بینی بر فضای زندگی حاکم باشد؛ میدان کار و تلاش و پیشرفت در برابر او باز باشد؛ احساس پوچی نکند؛ هدف روحی و معنوی و والایی که در دل هر انسانی هست، بتواند آن را اشباع کند. این یک ترسیم کلی از آرمان‌هایی است که قاعدتاً یک جوان ایرانی دارد.

آرمان‌گرایی جوان ایرانی ما عبارت است از ترسیم آینده‌ای با این خصوصیات. ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد و مردم آن دانشمند و بیدار و زنده باشند؛ غفلت‌زده و خواب‌آلوده نباشند؛ کشور، برخوردار از عدالت باشد؛ مبرا از فساد باشد؛ طبقه اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد -چه اشراف سنتی، چه طبقه جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان از رانته‌های گوناگون اقتصادی استفاده کنند- برخوردار از قدرت و استحکام سیاسی باشد و همه اینها الهام‌گرفته از معارف دین و اسلام عزیز باشد. اسلام این ظرفیت را دارد که اینها را به ما تعلیم دهد.

انقلاب ما آرمان‌هایی را ترسیم کرد. مردم مؤمن ما وقتی به هدایت دین خودشان نگاه کردند، دیدند این آرمان‌ها همان چیزهایی است که به آن نیاز دارند. لذا در راه او حرکت کردند؛ جوانشان را هم دادند، جانشان را هم دادند، مالشان را هم دادند، پاش ایستادند.



بهترین راه برای عقب‌نشاندن دشمن، اظهار آمادگی است.

شما جوان‌ها خودتان باید احساس کنید نقش آفرینید

شما جوان‌ها خودتان باید احساس کنید نقش آفرینید؛ منتظر این نباشید که حالا در جاهای دیگر اتفاق خاصی بیفتد. بله، دستگاه‌های دولتی و وظایفی دارند، بنیاد نخبگان و وظایفی دارد و باید انجام بدهند و ان شاءالله انجام هم می‌دهند و به تدریج بهتر هم خواهد شد؛ اما آنی که محور مسئولیت است، آن را شما «خودتان» بدانید. خودتان احساس کنید که مسئولید و احساس کنید که نقش دارید. این که آیا در آینده به ما نقشی خواهند داد یا نه؟ این را فعلاً شما کنار بگذارید و ببینید امروز در دوران دانشجویی و دوران تحصیل و کسب کمال، چه نقشی به عهده شماست، آن نقش را ایفا کنید؛ و آن، خوب درس خواندن، خوب کار کردن، جدی حرکت کردن، شتاب این حرکت را مطلقاً کاهش ندادن و در کنار تحصیل علم به تحصیل دین و تقوا و ترکیه نفس هم پرداختن است.

جوانان، امروز می‌توانند در دوره جوانی خودشان مسئولیت ایفا کنند

همت بلند هیچ چیز کم نگذارند؛ همت را باید بلند کرد؛ آنکه مشغول درس است، آنکه مشغول کار صنعت است، آنکه در حال کشاورزی است و آنکه به خدمات گوناگون اشتغال دارد، همه احساس کنند که در قبال پیشرفت این کشور وظیفه و سهمی هم متوجه آنهاست و باید این سهم را، این وظیفه را به قدر خود و به سهم خود انجام دهند. خوشبختانه ملت ما این احساس را هم دارند. این زنده بودن و این پانشاط بودن، اولین اثری که می‌گذارد این است که طراحان توطئه‌های جهانی را از اینکه بتوانند این ملت را شکست بدهند، مأیوس می‌کند.

■ جوان و عنصر فعال

سیاسی ما توجه کند که امروز کشور و ملتش کجا ایستاده است و باید چه کار کند و به چه چیزی همت بگمارد؛ نیرویش را صرف آن کند و به دهان دشمن - که برای ما خواب و خیال‌های زیادی دیده - نگاه نکند.

ما می‌خواهیم به این آرمان‌ها برسیم. این آرمان‌ها چیست؟ اگر در یک جمله بخواهیم این آرمان‌ها را بگوییم، «جامعه اسلامی» است. ما امروز در راه جامعه اسلامی داریم حرکت می‌کنیم.

احساس مسئولیت آگاهانه

هیچ جامعه‌ای بدون احساس تعهد، به قله‌های رفیع سعادت نخواهد رسید

آنچه برای شما جوانان مثل دیگران مهم است، عبارت است از احساس مسئولیت آگاهانه. البته شما جوان و سرشار از نیرو هستید و از حساسیت بیشتری برخوردارید. احساس مسئولیت یعنی انسان همان‌طور که به فکر زندگی، معیشت، اشتغال، ازدواج و هر چیز مربوط به خود است، نسبت به اهدافی که از خود او فراتر است هم احساس مسئولیت کند؛ اهدافی که به خود او محدود نمی‌شود، بلکه مربوط به مجموعه، ملت، تاریخ و بشریت است. انسان باید در قبال این هدف‌ها هم احساس وظیفه، تعهد و مسئولیت داشته باشد. هیچ انسان و هیچ جامعه‌ای بدون این احساس تعهد، به قله‌های رفیع سعادت نخواهد رسید. این احساس مسئولیت و تعهد باید آگاهانه باشد. فرد باید بداند که به دنبال چه چیزی است و موانع راه را بشناسد. این امر همان احساس مسئولیت آگاهانه است.

جوان باید احساس مسئولیت کند

اما آنکه من می‌توانم به شما جوانان سفارش کنم، این است که جوان اولاً باید احساس مسئولیت کند؛ یعنی واقعاً خودش را مسئول بداند و بخواهد که زندگی را با پای خودش پیش ببرد و حرکت کند و مثل پر کاهی در امواج حوادث نباشد. ثانیاً با ایمان حرکت کند - ایمان نقش بسیار مهمی در پیشرفت در همه میدان‌ها و نیز پیروزی بر همه موانع دارد - ثالثاً بصیرت و آگاهی داشته باشد.

در قبال پیشرفت این کشور وظیفه و سهمی هم متوجه جوان‌هاست

بنده دائماً توصیه می‌کنم: جوانان ما از

جوانان، امروز می‌توانند در دوره جوانی خودشان مسئولیت ایفا کنند؛ علاوه بر اینکه فردای این جوانان و فردای اداره این کشور بزرگ با دست‌هایی است که در محیط اسلامی تربیت شده و تقویت یافته است.

جوان باید در درون خود، احساس کند که نسبت به آینده این کشور، مسئولیت دارد

یک مطلب این است که شما که عاشق سربلندی ایران اسلامی هستید و خود را سرباز اسلام می‌دانید و همین‌طور هم هست، برای ساختن آینده مسئولیت بزرگی بر دوش دارید. این خصوصیت یک مکتب صادق و حقیقی و واقع‌بین است. همه مسئولند. جوان هم که در عنقوان شکوفایی استعدادهاست، جزء مسئولان است؛ مسئولیت فقط مال پیران و میان‌سالان نیست، بلکه می‌توان با نگاهی گفت که جوان مسئولیت سنگین‌تری دارد؛ چرا؟ چون توانایی جوان، شکوفایی جوان، نیروی جوان بیش از دیگران است. جوان باید در درون خود، در دل خود و در وجدان خود احساس کند که نسبت به آینده این کشور، آینده این ملت و آینده این تاریخ، مسئولیت دارد. همین احساس مسئولیت بود که در دوران دفاع مقدس، اکثر جوان‌های متعهد را به میدان دفاع کشاند. جوان‌ها می‌توانستند توی خانه‌های خودشان، زیر سایه پدرها و مادرها و ناز و نوازش آنها بمانند؛ نه در زمستان‌ها در کوه‌های برف‌آلود و سربه‌فلک کشیده غرب، نه در تابستان‌ها در بیابان‌های تفتیده خوزستان حاضر نشوند و راحت باشند؛ اما احساس مسئولیت نگذاشت دنبال راحتی باشند. آنها توی میدان آمدند و نتیجه، یک نتیجه معجزه‌آسا شد.

فردای این کشور، به احساس مسئولیت امروز شما نیازمند است

فردای این کشور و فردای این ملت، به احساس مسئولیت امروز شما نیازمند است. احساس مسئولیت کنید که چه بشود؟ که خود را بسازید؛ از لحاظ علمی بسازید، از لحاظ ایمان و تقوا بسازید، بصیرت خودتان را زیاد کنید، آگاهی‌های خودتان را نسبت به

امروز و دیروز و فردا افزایش بدهید. ده سال دیگر، دوازده سال دیگر، همه شما جمعیتی که اینجا هستید و نظایر شما در سرتاسر کشور، جوانان تحصیل کرده‌ای هستند که وارد میدان عرصه زندگی ملت ایران خواهند شد و بسیاری از شماها مسئولیت‌هایی در اختیاران خواهد بود. رؤسای جمهور آینده، وزرای آینده، مدیران آینده و برجستگان گوناگون بخش‌های مختلف آینده - آن کسانی که طراحند، برنامه‌ریزند، متفکرند، تئوریسین اداره کشور هستند - از میان شماها پدید می‌آیند؛ از میان شماها برمی‌خیزند. این مدیران و این برنامه‌ریزان، هم باید عالم باشند، هم به معنای حقیقی کلمه باید متدین، پاکدامن و بصیر باشند. این نمی‌شود، مگر اینکه شما از حالا خودتان را آماده کنید.

خود شما جوانان در درجه اول مسئولیت دارید



هر جایی که ما مشکل و

نابسامانی داریم - اگر

بی‌عدالتی است، اگر فقر است -

برای خاطر این است که ما

مسئولان و آحاد مردم، درست

برای پیشبرد این هدف‌ها

نایستادیم. اگر می‌ایستادیم،

اینجاها هم درست می‌شد.

تقصیر خود ماست. باید

بایستیم.

من به جوانان چند توصیه دارم؛ اولین توصیه خود را عرض می‌کنم: جوانان عزیز! این نیروی جوانی، این نشاط جوانی و این قدرتی را که یک کشور می‌تواند به آن ببالد، کسی که باید حفظ کند، در درجه اول شما هستید. البته مسئولان - به‌خصوص مسئولان فرهنگی کشور - هم مسئولیت دارند. اگرچه من از عملکرد مسئولان فرهنگی کشور هیچ رضایتی ندارم و معتقدم کاری را که باید انجام بدهند، انجام ندادند؛ بعضی از آن کارهایی را که نباید انجام بدهند، انجام دادند! آری، دولت هم مسئولیت دارد؛ اما خود شما جوانان هم در درجه اول مسئولیت دارید. اینکه شما می‌بینید ما در زمینه‌های اخلاقی و پرهیز و حذر کردن از برخی آلودگی‌هایی که برخی از جوانان به آن دچار می‌شوند، گاهی زیاد اصرار می‌کنیم، یک علت عمده‌اش همین است که آن‌گونه ابتلائات و آلودگی‌ها، جوان را از قابلیت سازندگی آینده‌اش و آینده کشورش خارج می‌کند. و دشمن همین را می‌خواهد. آن عاملی که شما را تقویت می‌کند، علم است - یعنی درس خواندن و دانستن ایمان است - یعنی معرفت ایمانی و عمل مذهبی و ایمانی - همبستگی است؛ آگاهی سیاسی است؛ آشنایی با مسائل کشور و مسائل جهان است؛ پرهیز از بعضی از هیجان‌هایی است که دشمن سعی می‌کند آنها را به وجود آورد.

همت کنید و عزم و اراده خود را

تقویت نمایید

پیام من به جوانان کشورمان که بیش از هفتاد درصد از ملت ما و سنین پانزده تا سی و پنج سال را تشکیل می‌دهند این است که همت کنید و عزم و اراده خود را تقویت نمایید. در میدان‌های گوناگون، شجاعانه خود را مهیا کنید و آماده باشید.

جوانان عزیز! به خدا توکل و اعتماد کنید. به نیروی ذاتی خداداده‌ای که در وجود شماست، تکیه کنید. استعدادهای خود را به منصفه ظهور آورید.

شما می‌توانید کارهای بزرگ بکنید

توصیه بعد این است که ملت عزیز ما،

مخصوصاً جوانان ما، اعتماد به نفس خودشان را از دست ندهند. جوانان عزیز! جوانان عزیز ملت ایران! شما می‌توانید؛ می‌توانید کارهای بزرگ بکنید، می‌توانید کشور خود را به اوج اعتلا و عزت برسانید. اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولان کشور، اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان می‌خواهند نباشد.

آسیب‌شناسی امید و آرمان‌گرایی در جوان

نادیده‌گرفتن شخصیت و اراده و فهم و توانایی‌های بیکرانه جوان

در مورد جوانان گرایش‌های افراطی و تفریطی مشاهده می‌شود. بعضی کسان عادت کرده‌اند شخصیت و اراده و فهم و توانایی‌های بیکرانه جوان را ندیده بگیرند و او را به ندانستن یا به هرگونه چیزی که از نظر آنها ناپسند است، متهم کنند. این عادت غلطی است. جوان، مظهر تحرک و سرشار از استعداد و دارای ذخیره ارزشمندی است - یعنی نشاط جوانی، قدرت جوانی، استعداد جوانی و حوصله جوانی - که می‌تواند معجزه‌ها بیافریند. آن بی‌اعتنایی، یک رفتار و برداشت غلط و منحرفانه است.

من در نسل جوان کشورمان، این استعداد را می‌بینم. من نمی‌خواهم گزافه بگویم، شعار هم نیست؛ هیچ کس از ما توقع نکرده که بیاییم این حرف‌ها را بزنیم؛ اینها واقعیت است. جوان ایرانی در استعدادهای گوناگون، یک ظرفیت سطح بالا را داراست. اگر ما مسئولان شناسیم، گناه ماست؛ اگر خود او این ظرفیت را شناسد، گناه اوست. گناه هم نتیجه خودش را دارد؛ از راه ماندن و به مقصود نرسیدن است. اما اگر چشم را باز کنیم، راه را پیدا کنیم، همت بگذاریم و هدف را گم نکنیم، بدون تردید خواهیم رسید.

عدم پذیرش نوگرایی جوانان از طرف خانواده و مسئولان

هم در خانواده و هم در فضای جامعه، گویا سوءتفاهمی نسبت به جوانان وجود دارد؛ به دلیل همین نوجویی و نوگرایی که به آن معتقد هستند و به‌هرحال مقتضای سن و

شرایط زندگی و حال و هوای جوانانشان است. این که در خانواده احساس می‌شود که پدران و مادران می‌خواهند جوانان همان‌گونه زندگی کنند که آنها می‌زیستند، یا به آن چیزهایی که پدران و مادران دست نیافتند، حالا پسران و دختران باید دست پیدا کنند. در جامعه هم به‌هرحال سنت‌ها و عرف‌ها و چیزهایی که حاکم بر جامعه است - که منظوم این نیست که همه آنها الزاماً نادرست است - به سختی پذیرای این نوگرایی جوانان است و شاید حتی جوانان به لابلای گری یا بی‌احتیاطی و بی‌تأملی و ناآگاهی متهم شوند.

دچار شدن جوانان به روزمرگی و غفلت از آرمان‌ها

مجموعه جوان کشور ما - که مجموعه بزرگی هم هست - همه در برابر احساس آرمان‌گرایی یک‌طور نیستند و یک‌طور فکر نمی‌کنند: بعضی دچار غفلتند، دچار

جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌ای را دل‌سرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگترین آفت جوان است.

روزمرگی‌اند، سرشان گرم مسائل روزمره است و یادشان نمی‌آید که آرمانی هم وجود دارد - از این قبیل جوان‌ها شما دیده‌اید؛ بنده هم با اینکه پیرم، اینگونه جوان‌ها را سراغ دارم و می‌شناسم و دیده‌ام؛ نه فقط از صفحه تلویزیون، بلکه در واقعیت هم مشاهده کرده‌ام - یک دسته هم کسانی هستند که دغدغه دارند، اما مأیوس و غمگین و افسرده‌اند؛ نگاهشان بدبینانه است؛ می‌گویند نمی‌شود کاری کرد؛ لذا از خیر حیات طیبه می‌گذرند؛ اینها هم با اینکه دغدغه دارند و غافل نیستند، در نهایت به دام غفلت و روزمرگی می‌افتند. از این قبیل هم شما دیده‌اید، بنده هم دیده‌ام. در جلسات جوان‌ها و دانشجو‌ها - که شما می‌دانید بنده از این جلسات دارم و کم هم نیست - انسان گاهی نشانه‌های یأس و بدبینی و نگاه منفی را می‌بیند: آقا! چه فایده‌ای دارد؟ نمی‌شود، فایده‌ای ندارد. البته در بعضی‌ها این احساس سطحی است، در بعضی‌ها هم این احساس عمیق است و تغییر دادن آن مشکل است.

بی‌تفاوتی و خونسردی نسل جوان نسبت به سرنوشت خود و کشورش

در حرکت عظیم ملت ایران، نسل جوان باید پیشرو باشد. برای نسل جوان - به‌خصوص نسل جوان دانشجو - بی‌تفاوتی و خونسردی جایز نیست. آن جوانی که به سرنوشت کشور نیندیشد و حوادث و خصومت‌هایی را که نسبت به کشورش در دنیا سازماندهی می‌شود، نبیند و نسبت به آنها نجوشد و نخروشد، آن جوان لایق این نیست که نام جوان شهروند یک ملت انقلابی را روی خودش بگذارد. روح جوان، آن روح پر تپشی است که در سختی‌ها به داد کشور و ملت رسیده و آنها را نجات داد.

آن احساس مسئولیتی که من می‌گویم، در مقابل حالت «ولش» قرار دارد. بعضی از جوانان هستند که اگر گفته شود این کار را بکن، می‌گویند ولش! مثلاً امتحانات درسی یا قضیه دیگری در پیش است، می‌گویند ولش! این «ولش» بدترین بلا برای جوانان است. احساس مسئولیت، یعنی رها کردن این حالت

«ولش».

به وجود آمدن یأس در جوان

یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید اینگونه است.

جوان، بی‌تجربه است. به مجرد اینکه ببیند در یک دستگاه رسمی کشور - مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور - دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنایی کردند، او را تحقیر کردند؛ در حرکتش اثر می‌گذارد و او را کند می‌کند. یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط راه، بزرگ می‌کنند،

این زنده‌بودن و این

بانشاط‌بودن، اولین اثری که

می‌گذارد این است که طراحان

توطئه‌های جهانی را از اینکه

بتوانند این ملت را شکست

بدهند، مأیوس می‌کند. بهترین

راه برای عقب‌نشاندن دشمن،

اظهار آمادگی است.

برجسته می‌کنند، تعریف می‌کنند، این جوان دلش آب می‌شود و روحیه‌اش را از دست می‌دهد.

دل‌سرد و ناامید کردن جوانان

امروز دشمنان ما که از برخورد چهره‌به‌چهره با این ملت مأیوس‌اند و از طرق گوناگون می‌خواهند روی این ملت اثر بگذارند، از همین وسایل استفاده می‌کنند؛ یعنی سعی می‌کنند افق را تیره و تاریک نشان دهند؛ جوان را ناامید کنند؛ جوان را به بازیچه‌ها و سرگرمی‌های گوناگون مشغول کنند؛ جوان را از تحصیل علم باز بدارند و او را تحریک به هرج و مرج کنند. لذا باید بیدار بود.

صهیونیست‌ها و استعمارگران و کمپانی‌داران عالم، سال‌ها کار و تلاش کردند تا شاید بتوانند نسل‌های جوان را فاسد

کنند؛ اراده و امید را از آنها بگیرند؛ آینده را در چشم آنها تیره و تاریک کنند؛ آنها را به آینده مأیوس نمایند و دچار مشکلات عصبی و اخلاقی کنند. آنچه در دنیا می‌بینید، تصادفی نیست.

سیاست اصلی و راهبردی آنان در مورد کشور ما، شکاف‌افکندن در صفوف متحد و یکپارچه مردم مسلمان و انقلابی ایران است ... آنها با برنامه‌های تبلیغاتی خویش، می‌خواهند جوانان را در کشور مأیوس کنند و مشکلات اقتصادی را - که کم و بیش در همه جای دنیا متعارف و رایج است - جزء مسائل لاینحل نظام جمهوری اسلامی قلمداد نمایند.

در مقابل یأسی که دشمن

می‌خواهد به جوان‌ها تلقین کند،

خودتان را مصونیت بدهید

ببینید، اینها آن چیزهایی است که اگر چنانچه توجه کنید، خواهید دید همان نقشه ایجاد یأس دشمن است که حالا یک کار به این عظمت انجام گرفته - مسئله انرژی هسته‌ای - این همه درباره‌اش مردم شادی و خوشحالی کردند، آقا در بیاید که: چرا شما بی‌خود مملکت را به این چالش‌های اینچینی می‌کشانید، برای خاطر یک چیز کم‌اهمیت انرژی هسته‌ای؟! ببینید، این همان ایجاد یأس است؛ این همان چیزی است که شما باید مراقبش باشید. این یکی از آن رخنه‌هاست که اعتماد به نفس ملی را ضربه می‌زند؛ همچنان که در چند سال قبل متأسفانه این کار شد.

من به‌عنوان فردی که جریان‌ها را می‌شناسد و از جریان‌های جهانی و پشت پرده و توطئه‌های دشمن آگاه است و از اول انقلاب با آنها سروکار داشته است، می‌گویم که جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی‌تفاوتی می‌کشاند و عده‌ای را دل‌سرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید اینگونه

است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.

می‌خواهند به جوان ایرانی بیاوراند

که شما نمی‌توانید

امروز جنگ سرد و جنگ روانی را با شکل‌هایی مختلف انجام می‌دهند. می‌خواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بیاوراند که شما نمی‌توانید بدون ارتباط و اتصال با قدرت‌های سلطه‌گر به جایی برسید. این خطر بزرگی است که امام به آن توجه داده‌اند. آنها پیشرفت‌های عظیم ملت را انکار می‌کنند. انقلاب در طول این سی سال از موانع بسیاری گذشته است - در تاریخ انقلاب‌ها که انسان نگاه می‌کند، این همه موانع در راه یک ملت و یک انقلاب بسیار به‌ندرت دیده می‌شود و انقلاب‌ها معمولاً پشت این موانع می‌مانند و خود را تسلیم دشمن می‌کنند - و با این همه تهدید، با تحریم، با انواع و اقسام دشمنی‌ها و حیل‌ها و کارشکنی‌ها توانسته است پیش برود، قله‌ها را فتح کند؛ همچنان چشم به قله‌های بالاتری دارد و همچنان با قدرت پیش می‌رود. می‌خواهند این انگیزه را از ملت ایران بگیرند.

گرفتن اعتماد به نفس جوانان

همه سعی دشمنان ما این است که این عناصر زنده‌کننده و پیش‌برنده را از جوان‌های ما بگیرند؛ ایمانش را بگیرند، اعتماد به نفسش را بگیرند؛ کما اینکه در دوره طاغوت موفق شده بودند. جوان ما آن روز اعتماد به نفس نداشت، خودش را به‌طور غریزی و شبه‌غریزی، کوچک‌تر و حقیرتر از یک جوان اروپایی می‌دانست! ... می‌خواهند از جوان امروز، اعتماد به نفسش را بگیرند، ایمانش را بگیرند، روحیه ابتکارش را بگیرند، روحیه خلاقیتش را بگیرند، شوق او به پیشرفت و کار را بگیرند و او را با رفتاری‌های گوناگون سرگرم و مشغول کنند. حالا یکی را به شهوات، یکی را به کارهای لغو، یکی را به هرزه‌گردی و بیهوده‌ای این‌ور و آن‌ور رفتن، یکی را به یقه این و

آن را گرفتن.

اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولان کشور و اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان می خواهند نباشد. دشمنان می خواهند مردم به دولت - که مسئولیت اداره امور کشور را دارد - بی اعتماد باشند؛ سعی کنید این نقشه دشمن را خنثی کنید. آنها می خواهند اتکا به نفس جوانان را از بین ببرند؛ آنها می خواهند افق مقابل چشم نسل جوان ما را تیره و مبهم و وهم آلود جلوه بدهند.

بازداشتن جوانان از داشتن نگاه جدی به زندگی

امروز یکی از سیاست‌های رایج و متداول در دست و بال شبکه خطرناک صهیونیستی دنیا و عوامل دولتی‌شان در کشورهای مختلف این است که جوان‌ها را، به خصوص در کشورهای اسلامی و به خصوص در کشورهایی که ممکن است در مقابل آنها به عنوان یک رقیب علمی یا رقیب سیاسی قد علم کنند و منافع آنها را به خطر بیندازند، از نگاه جدی به زندگی باز بدارند. آنها می خواهند این جوان‌ها را ضایع کنند؛ آنها برای این کار برنامه‌ریزی کرده‌اند. مقابله با این برنامه‌ریزی علاوه بر اینکه یک وظیفه است، یک حرکت شجاعانه سیاسی است؛ لذا بخش‌های مربوط به امور دینی، وزارت ارشاد، کارهای علمی، بخش‌های وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی و آموزش پزشکی، جزء بخش‌های بسیار حساس در برنامه‌ریزی‌های کلان دولت محسوب می‌شوند و وظایف بزرگی را بر دوش دارند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانات در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز ملی مبارزه با استکبار؛ ۱۳۷۳/۸/۱۱
۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی؛ ۱۳۸۶/۸/۰۹
۳. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان (روز ملی مبارزه با استکبار)؛ ۱۳۶۸/۸/۱۰
۴. بیانات در دیدار عمومی مردم ابرکوه؛ ۸۶/۰۱/۱۵
۵. پیام به نهمین کنگره جامعه اسلامی دانشجویان کشور؛ ۱۳۸۵/۵/۲۹

۶. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۸۱/۹/۰۱
۷. پیام به اردوی تحکیم وحدت؛ ۱۳۸۰/۶/۰۳
۸. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۳
۹. بیانات در دیدار با گروه کثیری از دانش‌آموزان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت یوم‌الله سیزده آبان؛ ۱۳۷۶/۸/۱۴
۱۰. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان (روز ملی مبارزه با استکبار)؛ ۱۳۶۸/۰۸/۱۰
۱۱. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۱۳۸۶/۲/۲۵
۱۲. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان؛ ۱۳۸۴/۲/۱۹
۱۳. بیانات در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی؛ ۱۳۸۳/۱۰/۱۹
۱۴. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان؛ ۱۳۸۲/۷/۲۲
۱۵. بیانات در دیدار هزاران نفر از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور؛ ۱۳۸۶/۲/۳۱
۱۶. بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۷/۲/۲۲
۱۷. بیانات در دیدار نخبگان جوان؛ ۱۳۸۶/۶/۱۲
۱۸. مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۳۸۷/۳/۱۴
۱۹. بیانات در دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب؛ ۱۳۸۷/۷/۷
۲۰. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه سالروز سیزده آبان؛ ۱۳۸۷/۸/۸
۲۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان؛ ۱۳۷۹/۸/۱۱
۲۲. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه سالروز سیزده آبان؛ ۱۳۸۷/۸/۸
۲۳. بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات، هیئت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی؛ ۱۳۸۲/۸/۱۵
۲۴. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ ۱۳۷۹/۱۲/۲۲
۲۵. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۱۳۸۶/۲/۲۵
۲۶. بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی؛ ۱۳۸۵/۷/۲۵
۲۷. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان؛ ۱۳۸۴/۲/۱۹
۲۸. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان؛ ۱۳۸۴/۲/۱۹
۲۹. بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲
۳۰. بیانات در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۸۱/۱۲/۶
۳۱. بیانات در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳

۳۲. بیانات در دیدار عمومی مردم ابرکوه؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۵
۳۳. بیانات در دیدار نخبگان جوان؛ ۱۳۸۵/۶/۲۵
۳۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک؛ ۱۳۷۹/۸/۲۴
۳۵. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه سالروز سیزده آبان؛ ۱۳۸۷/۸/۸
۳۶. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه سالروز سیزده آبان؛ ۱۳۸۷/۸/۸
۳۷. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک؛ ۱۳۷۹/۸/۲۴
۳۸. بیانات به مناسبت حلول سال نو؛ ۱۳۸۲/۱/۱
۳۹. بیانات در دانشکده افسری؛ ۱۳۸۱/۸/۷
۴۰. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۶/۱/۱
۴۱. همان
۴۲. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان؛ ۱۳۸۵/۸/۱۸
۴۳. بیانات در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳
۴۴. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان؛ ۱۳۸۴/۲/۱۹
۴۵. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان (روز ملی مبارزه با استکبار)؛ ۱۳۶۸/۸/۱۰
۴۶. بیانات در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)؛ ۱۳۷۷/۱۱/۱۳
۴۷. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان (روز ملی مبارزه با استکبار)؛ ۱۳۶۸/۸/۱۰
۴۸. بیانات در دیدار وزیر، معاونان و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور؛ ۱۳۷۱/۵/۲۱
۴۹. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان؛ ۱۳۸۳/۱۲/۲۴
۵۰. خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۷۷/۸/۸
۵۱. سخنرانی در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین؛ ۱۳۸۰/۲/۴
۵۲. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۳
۵۳. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان (روز ملی مبارزه با استکبار)؛ ۱۳۶۸/۸/۱۰
۵۴. مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۳۸۷/۳/۱۴
۵۵. بیانات دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور؛ ۱۳۸۶/۲/۱۹
۵۶. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی؛ ۱۳۸۶/۱/۱
۵۷. بیانات در جمع کارکنان سازمان صداوسیما؛ ۱۳۸۳/۲/۲۸
۵۸. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور، مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۶/۴/۹